یادداشت

دیپلماسی اقتصادی کارآمد با الحاق ایران به WTO

عبدالرسول خلیلی
استاد دانشگاه

● تهیه گزارش رژیم تجاری ایران به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، مدت‌هاست به امید بهبود وضعیت اقتصاد ایران جنبه عملیاتی به خود گرفته است. دولت با توجه به سرانجام موفق برجام، مسئولیت پیگیری تبدیل عضویت ناظر ایران را به عضو دائم به وزارت خارجه سپرده است. این در حالی است که پیگیری این مسئله را قبلا دفتر نمایندگی ایران در WTO در وزارت صنعت، معدن و تجارت بر عهده داشت. این تصمیم رئیس‌جمهور دنبال‌کردن دیپلماسی اقتصادی از مسیر دیپلماسی موفق سیاسی وزارت امور خارجه است. این تصمیم درواقع استفاده از فرصت دیپلماسی سیاسی کشور برای بهبود روند توسعه اقتصاد ایران است. سازمان تجارت جهانی نیز با نشان‌دادن چراغ سبز برای پیوستن ایران به WTO، نشان داده به‌دنبال حمایت از پیوستن ایران به این سازمان است. آنچنان که متیاس فوکل، وزیر مشاور در امور تجارت فرانسه، که در رأس هیأت ۱۶۰نفره تجاری فرانسوی به ایران آمده بود، حمایت از ایران برای عضویت در سازمان جهانی تجارت را برای پیداکردن سهم بیشتر از تجارت جهانی مورد تاکید قرار داد؛ سهمی که درحال‌حاضر در فضای اقتصاد بسته خارجی حدود ۸۰ درصد صادرات ایران را بین ۱۰ کشور تقسیم کرده است، درحالی‌که امروز سازمان تجارت جهانی با ۱۶۱ عضو که در سال جاری به ۱۶۳ کشور می‌رسد، حدود ۹۸ درصد تجارت جهان را تحت ضوابط و مقررات خود درآورده است و اگر ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد خارج از این سازمان در پنج سال آینده نتواند سیاست الحاق به WTO را در اولویت برنامه‌های کشور قرار دهد، بدون شک با چالش‌های متعددی در توسعه صادرات روبه‌رو خواهد شد. درحالی‌که براساس پیش‌بینی‌ها، چند کشور معدود خارج از سازمان تجارت جهانی در منطقه یعنی کشورهای حوزه چشم‌انداز در آسیای جنوب غربی در پنج سال آینده همگی به عضویت این سازمان درخواهند آمد. توقف ۱۰ساله ایران به‌عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی و انجام‌ندادن اقدامات اولیه برای تغییر این وضعیت، درحالی است که افغانستان و عراق مراحل اولیه را در این ارتباط پیموده‌اند. گفته شده عضویت افغانستان و قزاقستان در چند ماه آینده نهایی می‌شود. آذربایجان و ازبکستان نیز در مراحل میانی فرایند مذاکرات خود هستند. پاکستان و ترکیه از اعضای مؤسس این سازمان هستند که به دلیل عضویت‌نداشتن ایران در سازمان تجارت جهانی، موانع متعدد تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را همیشه علیه ما اعمال و منافع زیادی را متوجه خود کرده‌اند. قابل‌توجه است عضویت ایران در WTO و مزایایی که این عضویت برای بهبود وضعیت اقتصاد ایران دارد، برخلاف گذشته که عضویت ما به دلیل حمایت از تولید داخلی، محل چالش‌های فراوانی بود، درحال‌حاضر از فرصت‌های بی‌بدیل به شمار می‌رود و می‌تواند همه طرح‌های اقتصادی دولت به‌ویژه بسته اقتصادی اخیر را همسو با خود متحول کند. قانون تجارت و قانون انحصار تجارت خارجی که از سال ۱۳۱۰ تاکنون اقتصاد ایران را به نفع اقتصاد دولتی و انباشت سرمایه دولتی تغییر داده است، معادله‌ای که باید توان بخش خصوصی را در فعالیت‌های اقتصاد ایران تقویت می‌کرد. این قانون و سایر قوانین و مقررات اقتصادی کشور باید همسو با اصول سازمان تجارت جهانی اصلاح و تغییر کند. اصولی مانند آزادسازی تجارت خارجی، آزادی واردات تمامی محصولات صنعتی و کشاورزی، لغو محدودیت بر واردات خدمات، حذف حقوق گمرکی بر واردات محصولات صنعتی و کشاورزی، آزادی صادرات تمامی تولیدات داخلی، آزادسازی نرخ کالاها و خدمات حذف یارانه‌های غیرمستقیم، آزادسازی نرخ بهره، آزادسازی نرخ ارز، لغو انحصارات دولتی و خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار، جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی و ایجاد دولت ناظر به جای دولت عامل در عرصه سیاست و اقتصاد باید زمینه‌سازی شده و بستر آن در چارچوب آزادسازی اقتصادی، تعرفه‌زدایی و خصوصی‌سازی به‌وجود آید. نظارت کامل بر اجرای صحیح سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ با هدف تقویت بخش خصوصی در کشور در این راستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید از هم‌اکنون بخش خصوصی را در خدمت اقتصاد ملی تقویت و آن را از کمپرادوری خارج کرد. جا دارد راه‌کارهای آن موردتوجه مجلس محترم شورای اسلامی قرار گیرد. به‌ویژه در واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و نه شبه‌دولتی اهمیت ویژه‌ای قائل شد و مکانیسم آن را برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های متعدد درباره سیاست‌ها و مقررات تجاری ایران به WTO آماده کرد. ارسال گزارش رژیم تجاری ایران به WTO درواقع یک فرصت برای جراحی اقتصاد ایران در ابعاد گوناگون است، باید از این فرصت استفاده و ظرفیت‌ها و منابع اقتصادی و تجاری ایران را مجددا مهندسی کرد تا در پرتو این مهندسی دوباره بتوان بیماری اقتصادی ایران را که عمدتا از نوع بیماری هلندی است که با درآمد نفت ارتزاق می‌کند، معالجه کرد، اقتصادی که موازنه بازرگانی آن درکل منفی بوده باید از این وضعیت رها شود و این جز از طریق حضور در عرصه‌های جهانی و استفاده از امتیازات آن میسر نیست.

احمدی‌نژاد فروش املاک تملیکی بانک‌ها را مشکل کرد

عکس: رزوفه رستمی، شرق

ادامه از صفحه۵

چرا؟

به‌خاطر اینکه به سیستم بانکی ایران اعتماد ندارند و سیستم حسابداری ایران و مطالبات معوق بانک‌های ایران به درستی افشا نشده و ما ترازنامه قابل اتکایی به خارجی‌ها ارائه نداده‌ایم. حسابرسی‌ها از استاندارد درستی برخوردار نیستند. حسابرس‌های ما با مدیران بانک‌ها رودربایستی دارند و مدیران بانک‌ها هم با بانک مرکزی رودربایستی دارند و بانک مرکزی هم با دولت، در نهایت همه همدیگر را می‌پایند که کسی از آن دیگری دلخور نشود.

آقای حاتمی، شما اشاره کردید که مطالبات معوق به درستی افشا نشده است. شما چه برآوردی از حجم معوقات نظام بانکی ایران دارید. آمارهای اعلام‌شده از میزان معوقات بانکی حول و حوش صدهزارمیلیارد تومان در گردش است.

رقم معوقات بیشتر از این حرف‌هاست. رقم مطالبات صدهزارمیلیاردی که عنوان می‌کنند، فقط معوقات بخش خصوصی است که در دفاتر بانک‌ها ثبت شده است، ولی مطالبات از دولت در اینها نیست. حجم بدهی دولت به بانک‌ها بیش از صدهزارمیلیارد تومان است بنابراین دوبرابر رقم اعلام‌شده را به‌عنوان مطالبات معوق دولت و ملت در نظر بگیرید. غیر از این مطالبات معوق مشتریانی را باید درنظر بگیرید که ظاهر مطالبات آنها را به گونه‌ای درست کردند که مطالبات آنها در فهرست معوقات نیاید. به این صورت که وام جدید می‌دهند تا با این وام جدید، وام معوق قبلی را پرداخت کنند که این دسته را جزء آن معوقات صدهزارمیلیاردی نمی‌آورند.

حجم این مطالبات معوق را که بانک‌ها وام جدید می‌دهند تا وام معوق قبلی پرداخت شود، چقدر برآورد می‌کنید؟

فرض کنید صدهزارمیلیارد تومان هست.

پس روی‌هم‌رفته ۳۰۰ هزارمیلیارد تومان معوقات در نظام بانکی داریم؟

تا حالا این حجم به ۳۰۰هزارمیلیارد تومان رسیده، اما فقط اینها هم نیست. همه منابع بانک‌ها در سیستم قفل شده است.

با این اوصاف چند درصد از منابع نظام بانکی قفل شده است؟

به گمان من ۵۰ درصد از کل نقدینگی کشور به صورت مطالبات معوق در بانک‌ها درآمده است.

آخرین آماری که رئیس کل بانک مرکزی درباره حجم منابع قفل‌شده بانک مرکزی اعلام کرده بود، ۴۰ درصد بود؟

ایشان با ملاحظه گفتند اما من بی‌گدار به آب می‌زنم و می‌گویم که ۵۰ درصد از کل نقدینگی به‌صورت مطالبات معوق درآمده است. اما این مسائل راه‌حل دارد. باید قبول کنند که بخشی از این مطالبات سوخت شده یا اینکه شرکت‌هایی که این مطالبات معوق را دارند، باید وادار شوند که ساختار مالی خود را اصلاح کنند. وقتی ما می‌گوییم شرکت بزرگی همچون ایران‌خودرو مطالبات معوق دارد و باید ساختار خود را اصلاح کند، خیلی‌ها در ذهن خود به این فکر می‌کنند که این شرکت ورشکسته است، درحالی‌که ورشکستگی به معنای تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران نیست. وقتی می‌گویند یک شرکت ورشکسته است، می‌تواند به فعالیت خود ادامه بدهد ولی ساختار مالی خود را هم اصلاح کند. برای اینکه ساختار مالی خود را اصلاح کند به مدیریت فرصت می‌دهند که یک برنامه دوساله ارائه دهد تا بتواند بدهی‌های خود را پرداخت کند. اگر مدیریت نتواند این کار را کند، بانک‌هایی که طلبکار هستند، می‌توانند آن مدیریت را برکنار کنند و از طرف خودشان مدیری بگذارند که بتواند برنامه‌ای به نام اصلاح ساختار طراحی و تنظیم و اجرا کند. در برنامه اصلاح ساختار اولین کاری که باید انجام شود، این است که افزایش سرمایه بدهند یا سهام را به عموم عرضه کنند یا اینکه بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سهام را بخرند تا از محل افزایش سرمایه بخشی از بدهی‌های معوق داده شود. کار دیگری که می‌توان انجام داد، این است که شرکتی همچون ایران‌خودرو که ۵۰ شرکت زیرمجموعه دارد، زیرمجموعه‌های خود را بفروشد و از محل عواید فروش شرکت‌ها، بدهی‌های خود را پرداخت کند. دارایی‌هایی که مولد نیستند، ازجمله ساختمان‌های اداری و مسکونی و زمین‌هایی که مستقیما در امر تولید دخالت ندارند، باید بخشی از آنها را فروخت و بدهی معوق بانک‌ها را پرداخت کرد. تا زمانی‌که چنین جراحی سختی در نظام صنعت و اقتصاد انجام نشود، اصلاحات صورت نخواهد گرفت.

از املاک تملیکی هم به‌عنوان یکی از دارایی‌های سمی در نظام بانکی یاد می‌کنند. وضعیت این املاک به چه صورت است؟

طبق قانون پولی و بانکی سال ۱۳۵۱، دارایی ثابت بانک‌ها نباید از ۳۰ درصد سهام آنها بیشتر باشد که دارایی ثابت بانک‌ها به معنای شعب بانک‌ها و اموال تملیکی آنهاست. دارایی ثابت همه بانک‌ها امروز بیش از ۳۰ درصد سرمایه است؛ یکی به این دلیل که سرمایه بانک‌ها کم است و دوم به این دلیل که اموال تملیکی را گرفتند و آنها را نفروختند.

چرا این اموال تملیکی را نمی‌فروشند؟

فروش این اموال با قوانینی که در دوره آقای احمدی‌نژاد باب شده، مشکل شده است. چون که تا پیش از دولت احمدی‌نژاد به بانکی که ملکی را در وثیقه دارد اجازه داده می‌شد، با چند اخطار و مهلت قانونی، مشتری را موظف کند ملک را بفروشد و پول بانک را بدهد، اگر بعد از اتمام مهلت قانونی، مشتری چنین کاری را نمی‌کرد، بانک با حکم دادگاه و اجرای ثبت این اختیار را داشت که کل ملک را در برابر بدهی خود بگیرد، ولو اینکه بدهی ۱۰ درصد ارزش ملک باشد یا اینکه بدهی بیشتر از ارزش ملک باشد. ولی در دولت احمدی‌نژاد این قانون را عوض کردند به این صورت که وثیقه ملکی باید فروش برود و از محل عواید فروش، طلب بانک برداشته شود و مازاد آن به فرد پس داده شود. این کار شدنی نیست و عملا بانک‌ها در این مسئله گیر کردند و نمی‌توانند چنین کاری را انجام دهند. خیلی کم اتفاق افتاده است که بانک‌ها به این طریق توانسته باشند وثیقه خود را بفروشند و به اجرا بگذارند. یک مدتی هم هست که بانک‌ها شرکتی برای فروش اموال مازاد بانک‌ها (فام) تأسیس کردند که بانک‌ها با آن شرکت هم همکاری نمی‌کنند. به دلیل اینکه بانک‌ها فکر می‌کنند داشتن ملک بیشتر از فروش آن به نفع‌شان است. چون ارزش ملک در شرایط تورمی افزایش پیدا می‌کند و بانک‌ها فکر می‌کنند که ملک نگه‌داشتن برای بانک سودآوری بیشتری دارد. درحالی‌که کار بانک ملک‌داری نیست؛ اگر بانک بخواهد در وادی ملک بیفتد که دیگر تمام تهران را هم می‌تواند بخرد. اگر بانک در خرید و فروش ملک در تهران بیفتد، دیگر هیچ‌کس در تهران نمی‌تواند ملک بخرد، چون ملک به‌شدت گران می‌شود.

تا به همین لحظه هم بخشی از افزایش قیمت مسکن به گردن بانک‌ها افتاده است.

خریدن ملک و نگهداری اموال تملیکی از سوی بانک‌ها، خلاف مصالح ملی است. بانک‌ها طبق قانون موظفند حداکثر ظرف دو سال، املاکی را که به تملیک بانک درآمده است، بفروشند اما این کار را نکردند، به شرکت فام هم که املاک را تحویل نمی‌دهند. عملا این شرکت فعالیت چندانی هم ندارد. البته من پیشنهاد کردم که با توجه به آنکه در شرایط رکود فعلی، املاک به قیمت کارشناسی خریده نمی‌شود، این املاک به شرکت فام فروخته شود و در صورت آنکه فام نتوانست پول ملک را به بانک برگرداند، به ازای آن طلب از شرکت فام سهام گرفته شود، هم از این سهام سود به‌دست می‌آید و هم این سهام را می‌توان به فروش رساند. به این صورت شرکت فام یک شرکت ملک‌داری می‌شود. این مهلت دوساله که به بانک‌ها برای فروش املاک تملیکی داده می‌شود، در واقع به شرکت فام داده شده است. لزومی هم ندارد که این شرکت قیمت کارشناسی را رعایت کند و با قیمت مزایده می‌تواند این املاک را به‌فروش برساند اما در هر حال باید اراده‌ای برای فروش املاک هم وجود داشته باشد.

این اراده از سوی بانک‌ها نیست و به همین خاطر است که انبوهی از املاک تملیکی به فروش نرفتند. شاید کف‌گیر بانک‌ها هنوز به ته دیگ نخورده است که دورِ فروش املاک تملیکی را به بهانه کسب سود بیشتر خط قرمز کشیدند؟ درست است؟

اتفاقا کف‌گیر بانک‌ها ته دیگ خورده است اما مسئله اینجاست که اجازه دادند وقتی بانک‌ها گیر می‌کنند و پول ندارند، دست در جیب بانک مرکزی کنند و از آنجا پول بردارند. اگر بانک مرکزی جلوی این کار را بگیرد و اجازه ندهد که بانک‌ها نزد بانک مرکزی حسابشان منفی شود، آن‌وقت مجبور می‌شوند. پس می‌بینید که همه در به‌وجودآمدن وضعیت موجود سهم دارند و بیخودی با مدیریت‌های ناکارآمد مماشات کردند. این مماشات باید روزی متوقف شود. اگر می‌خواهیم نظم و انضباطی در نظام مالی به وجود بیاید، باید با بانکی که منابع نقدی خود را به‌درستی مدیریت نکرده است، برخورد محکمی شود. برای این کارها ابدا نباید کسی را زندان انداخت، من مخالف حبس، شلاق و زندان هستم. چطور با مؤسسات غیرمجازی همچون میزان، برخورد کردند، با مدیریت‌های ناصالح بانک‌ها هم باید همین کارها را کنند. ضمن اینکه فراموش نکنید مؤسسات غیرمجاز، زهرشان از مطالبات معوق و املاک تملیکی به‌مراتب خطرناک‌تر است.

آماری از میزان نقدینگی در اختیار این مؤسسات غیرمجاز دارید؟

در گزارش‌ها و آمارهای صندوق بین‌المللی پول آمده است که در ایران پنج هزار مؤسسه اعتباری غیرمجاز هست؛ اینها تحت عنوان صندوق قرض‌الحسنه و به اسامی ائمه اطهار از مردم رباخواری می‌کنند. هیچ آماری به کسی نمی‌دهند که چقدر سپرده دارند، چقدر وام دادند و چقدر درآمد دارند، ترازنامه خود را در اختیار بانک مرکزی و مراجع دولتی دیگر نمی‌گذارند. یک دفعه صدای آن درمی‌آید که اینها با سپرده‌های مردم ملک خریدند و تسهیلات دادند و نمی‌توانند وصول کنند. مردمی هم که نتوانند سپرده‌های خود را از این مؤسسات بگیرند، اقدام به اعتراض می‌کنند و همه جامعه درگیر می‌شود؛ فقط به این خاطر که به یک فرد ناصالح این اجازه داده شده است که از اعتماد مردم سوءاستفاده کند. حضور صندوق‌های غیرمجاز از هر سمی در نظام بانکی ایران خطرناک‌تر است.

تا پیش از دولت احمدی‌نژاد به بانکی که ملکی را در وثیقه داشت اجازه داده می‌شد، با چند اخطار و مهلت قانونی، مشتری را موظف کند ملک را بفروشد و پول بانک را بدهد، اگر بعد از اتمام مهلت قانونی، مشتری چنین کاری را نمی‌کرد، بانک با حکم دادگاه و اجرای ثبت این اختیار را داشت که کل ملک را در برابر بدهی خود بگیرد، ولو اینکه بدهی ۱۰ درصد ارزش ملک باشد یا اینکه بدهی بیشتر از ارزش ملک باشد

می‌گویند ۸۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان از نقدینگی کشور در دست این مؤسسات غیرمجاز است؟ درست است؟

هیچ‌کس آمار درستی از میزان نقدینگی در دست این مؤسسات غیرمجاز دریافت نکرده است چون اینها به کسی اطلاعات نمی‌دهند حتی اگر هم اطلاعات بدهند، قطعا اطلاعات غلط می‌دهند و اطمینانی به اطلاعاتی که اینها می‌دهند، وجود ندارد؛ بنابراین برای ساماندهی بازار پول ایران قدم اول تعیین تکلیف مؤسسات غیرمجاز است؛ البته ساماندهی این مؤسسات غیرمجاز اصلا کار سختی نیست، اگر اراده سیاسی پشت آن باشد. اتفاقا کار بسیار شدنی است.

به نظر بسیاری از کارشناسان، بانک مرکزی تا کنون نشان داده حریف این مؤسسات غیرمجاز نشده است. چرا؟

چون بانک مرکزی نخواسته است حریف این مؤسسات غیرمجاز باشد. کافی است بانک مرکزی به همه بانک‌ها بخش‌نامه دهد و از آنها بخواهد برای این مؤسسات غیرمجاز حساب باز نشود و چک‌های آنها پاس نشود و حواله‌های اینها را نپردازید. آن‌وقت چه‌کار می‌توانند بکنند؟ بالاخره اینها نقل‌وانتقال وجوه انجام می‌دهند. نباید به این مؤسسات غیرمجاز خدمات بانکی ارائه داد و این کمترین کاری است که بانک مرکزی می‌تواند، انجام دهد. این مؤسسات غیرمجاز پول‌های خود را در گاوصندوق خود نگه نمی‌دارند، بلکه پول‌های مؤسسات غیرمجاز نزد بانک‌ها نگهداری می‌شود.

کافی است بانک‌ها برای اینها حساب باز نکنند، آن وقت دیگر نمی‌توانند پول خودشان را در بانک بگذارند و فعالیت‌شان به گاوصندوق خودشان محدود می‌شود. پس بانک مرکزی اراده سیاسی لازم را برای جمع‌کردن مؤسسات ندارد، چون هرکدام از اینها به یک مرجع سیاسی قدرتمند وصل هستند. مؤسسه میزان برای چی این قدرت را پیدا کرد و توانست هزار میلیارد تومان از مردم بگیرد. اولین مؤسسه غیرمجاز ایران بنیاد بود که بعد از بیست سال فعالیت غیرمجاز در کشور به بانک سینا تبدیل شد، چون بانک مرکزی نمی‌توانست با بنیاد طرف شود. تمام صندوق‌هایی که به نام ائمه اطهار کار می‌کنند و خیلی بزرگ شده‌اند و صدها شعبه دارند، هرکدام به یک مرکز قدرت وصل هستند. ضمن اینکه این مؤسسات غیرمجاز مالیات نمی‌دهند و سودشان هم معاف از مالیات نیست؛ بنابراین برای بستن شعب اینها باید با بخش‌نامه مالیاتی و جلوگیری از ارائه خدمات بانکی از سوی آنها این مؤسسات را تعطیل کنند.

آقای حاتمی، بانک‌های خارجی هم مثل بانک‌های ایران با این حجم از دارایی‌های سمی در پیکره خود و بازار پول مواجهند؟

در افغانستان و عراق چنین اتفاقاتی می‌افتد؛ اما در کشورهایی که نظم دارند و بانک‌های‌شان مورد اعتماد مجامع بین‌المللی هستند، از این خبرها نیست. هر کشوری که بانکداری‌اش این گونه اداره شود، دیگر نمی‌تواند سپرده ارزی از خارج جذب کند. اگر ما بخواهیم سرمایه‌گذاری خارجی و سپرده‌گذاری خارجی جذب کنیم، باید نظام بانکی اصلاح شود. همین الان عرب‌ها بیش از هزار میلیارد دلار پول دارند اما حاضر نیستند یک قِران از آن پول را در ایران بگذارند و سپرده‌گذاری کنند حتی آن عرب‌هایی که با ما رفیق هستند، چون نمی‌دانند، هنگامی که می‌خواهند پول خود را مطالبه کنند، می‌توانند بگیرند یا پول‌شان در مطالبات معوق سوخت می‌شود. اگر عرب‌ها پول خودشان را در ایران بگذارند، سود سپرده‌ای که از بانک‌های ایران می‌توانند بگیرند حداقل سه برابر سودی است که از آمریکا، انگلیس و اروپا دریافت می‌کنند، با وجود این حاضر نیستند یک ریال در ایران سپرده‌گذاری کنند. اگر نظام بانکی ما درست شود، می‌توانیم سپرده‌های مازاد عربی، خاور دور، ژاپن و ... را جذب کنیم.

شما بر اصلاح ساختار نظام بانکی تأکید دارید. چندی‌پیش هم مؤسسات حسابرسی بزرگ از وضعیت نظام بانکی کشور و شفاف‌نبودن مالی ترازنامه‌های بانک‌ها ابراز نگرانی کردند.

درست است، اما حسابرسان در عمل گزارش‌هایی می‌نویسند که با استانداردهای بین‌المللی هم‌خوانی ندارد. حسابرسان ما قدرت کافی برای نشان‌دادن استقلال خود ندارند. مدیرعامل بانک و هیأت‌مدیره بانک می‌تواند به حسابرس بانک فشار بیاورد و به او بگوید این را ننویس، چون برای ما بد می‌شود و حسابرسان هم کوتاه می‌آیند. هیچ دلیلی ندارد که حسابرسان اطلاعات را افشا نکنند و هیچ دلیل سیاسی و اقتصادی برای حسابرسان پذیرفته شده نیست. اگر حسابرسان آنچه را که طبق استاندارد باید افشا کنند، افشا نکنند، در انجام وظایف خود قصور داشته‌اند و باید از این کار دست بکشند.

موضوع دارایی‌های سمی در نظام بانکی آن‌قدر جذاب شده است که چندی پیش وزیر راه و شهرسازی هم به این مسئله اشاره کردند که بانک‌ها صبح تا شب مشغول کلنجاررفتن با دارایی‌های سمی خود هستند. چه زمانی نظام بانکی کشور از این دارایی‌های سمی پاک می‌شود؟

هر وقت دولت تصمیم بگیرد خود را منضبط کند. هیچ‌کدام از دولت‌های ایران بعد از انقلاب انضباط مالی به معنای کارشناسی نداشتند. هنگام بودجه‌نویسی، نمایندگان مجلس آرزوهای خودشان را بر بودجه تحمیل می‌کنند و کاری به این ندارند که شدنی هست یا خیر.

پس تا پاکی نظام بانکی فاصله بسیاری است؟

خیلی. به این زودی‌ها نخواهد بود.

خبر

کاهش سطح آب دریاچه سدلار

● **مهر:** سطح آب دریاچه سد لار با توجه به خشک‌سالی‌های اخیر و کاهش بارندگی و همچنین برداشت آب برای مصرف شرب کلان‌شهر تهران، کاهش یافته است. رضا کرمی با اعلام این خبر گفت: پایین‌آمدن سطح آب دریاچه مشکلاتی را برای آبزیان و به‌ویژه گونه نادر و باارزش ماهی قزل‌آلای خال‌قرمز به همراه دارد، زیرا پایین‌آمدن سطح آب سد باعث خارج‌شدن جاده قدیم از زیر آب می‌شود. وی با بیان اینکه این جاده در گذشته برای تردد گردشگران، عشایر و وسایل نقلیه برای احداث سد مورد استفاده قرار می‌گرفته و درحال‌حاضر بلااستفاده است، اظهار کرد: با پایین‌آمدن سطح آب، رودخانه به یک آبشار کوچک تبدیل شده و ماهی قزل‌آلای خال‌قرمز در فصل تخم‌ریزی با توجه به این مشکل امکان مهاجرت به رودخانه دلیچایی که یکی از پرآب‌ترین رودخانه‌های پارک ملی لار است را نخواهد داشت و همین امر مشکلاتی را برای جمعیت و بقای نسل این گونه باارزش به‌وجود آورده است. سرپرست پارک ملی لار افزود: در مکاتباتی که با شرکت آب منطقه‌ای تهران صورت گرفته، این موضوع در حال بررسی و کارشناسی است و امیدواریم اقدامات مفیدی در این راستا انجام و بستری مناسب برای تکثیر و رشد ماهی قزل‌آلای خال‌قرمز فراهم شود.

۳ گزینه تأمین هواپیما روی میز ایرلاین‌ها

● **فارس:** رئیس سازمان هواپیمایی کشوری درباره تسهیلات صندوق توسعه ملی برای خرید هواپیما گفت: صندوق توسعه ملی برای خرید هواپیما و معرفی شرکت‌های هواپیمایی فعالیت‌ها و تسهیلات مناسبی انجام و ارائه داده است. علی عابدزاده با بیان اینکه در فرایندهای تأمین هواپیما برای ناوگان گزینه‌های مختلفی وجود دارد، افزود: گزینه اول خرید هواپیما است که ایرلاین‌ها هواپیما را از کمپانی‌های سازنده می‌خرند. معاون وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: گزینه‌های دوم برای ایرلاین‌ها اجاره هواپیما است؛ تا پیش از این اجاره هواپیما مشکلاتی داشت که به خاطر محدودیت‌های تحریم‌ها بود. وی افزود: گزینه سوم برای تأمین ناوگان شرکت‌های هواپیمایی، خریدهای اجاره به شرط تملیک هواپیما است که در مقاطع زمانی خاصی انجام می‌شود. رئیس سازمان هواپیمایی کشوری درباره احداث شرکتی برای تأمین ناوگان ایرلاین‌ها در داخل تأکید کرد: به‌هرحال این فرایندها اتوماتیک وارد کشور می‌شود و نیازمند تأسیس شرکتی برای تأمین ناوگان برای آنها نیستیم؛ این شرکت‌ها در دنیا تأسیس و ساختار آنها تعریف شده است و ما به آن ساختارها می‌پیوندیم. عابدزاده گفت: درحال‌حاضر کمپانی‌های بزرگی در دنیا وجود دارد که کار آنها خرید هواپیما و اجاره‌دادن آنها، اجاره به شرط تملیک یا فروش تقسیطی است.

واردات بنزین از شمال کشور متوقف شد

● **ایسنا:** رئیس سازمان ملی استاندارد از توقف واردات بنزین از شمال کشور خبر داد و گفت: یک محموله بنزین وارداتی از شمال کشور در نیمه اول امسال خیلی از خط قرمز عبور کرده بود که اجازه ورود آن را ندادیم و به وزارت نفت هم اعلام کردیم که دیگر از شمال بنزین وارد نکنیم و وزارت نفت هم این موضوع را پذیرفت. نیره پیروزبخت دیروز در نشست خبری به مناسبت روز ملی کیفیت با بیان اینکه بنزین جزء کالاهای استراتژیک است که برای افزایش کیفیت آن باید برنامه‌ریزی همه‌جانبه کرد، اظهار کرد: در شش‌ماهه نخست امسال ۶۶ محموله بنزین به کشور وارد شده است که از مجموع ۶۶ محموله وارداتی بنزین سه مورد از محموله‌ها مردود شد که دو مورد آن از جنوب به‌ویژه هرمزگان و یک مورد آن از شمال کشور وارد شده بود. وی درباره مشکل دو محموله وارداتی بنزین از جنوب کشور ادامه داد: اکتان این بنزین‌ها پایین‌تر از حد استاندارد بود، اما استاندارد ایران به شرط اصلاح در توزیع تا اکتان ۹۱ را هم اجازه واردات می‌دهد که اکتان بنزین‌های مورد نظر حدود ۹۲.۵ بوده است. به همین دلیل به دو مورد محموله وارداتی از جنوب نیز اجازه واردات دادیم. پیروزبخت با تأکید بر اینکه محموله بنزین وارداتی از شمال کشور خیلی از خط قرمز عبور کرده بود، اظهار کرد: اجازه ورود این محموله به کشور را ندادیم و به وزارت نفت نیز گفتیم که دیگر از شمال بنزین وارد نکنیم و وزارت نفت هم این موضوع را پذیرفت و در حال اجراست. وی همچنین درباره کیفیت بنزین‌های توزیعی در داخل کشور گفت: ما نمونه‌برداری را از هشت کلان‌شهر آغاز کرده‌ایم و به موردی نرسیدیم که خارج از حد استاندارد باشد. وی افزود: همچنین در حال انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با وزارت نفت هستیم که در موارد دیگر نیز از جمله تجهیزات چه تولید داخل و چه وارداتی با مجوز استاندارد انجام شود. رئیس سازمان ملی استاندارد با بیان اینکه نمونه‌برداری از بنزین‌های توزیعی در کشور از هفته آینده دوباره اجرا خواهد شد، اظهار کرد: تنها بنزین‌های توزیعی را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم و نمی‌توانیم بگوییم که برای کدام پالایشگاه است و در مصوبه هیأت وزیران نیز این موضوع نیامده است.